



Sociological Study on the Strategies of Urban Poor to Survive in the City (Case Study: Households of the Urban Slums in Tehran City) *

Abdolrasool Hashemi¹ | Mostafa Azkia² | Seyed Yaghoob Mousavi³

1. Corresponding Author, PhD in Sociology of Economics and Development, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: r.hashemi35@yahoo.com

2. Professor of Sociology, Department of Rural Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: mazkia@ut.ac.ir

3. Associate Professor of Urban Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: y.mousavi91@alzahra.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 02 August 2022

Received in revised form: 25

January 2023 Accepted: 07

February 2023 Published

online: 21 February 2023

Keywords:

Lived Experience, Urban
Poverty, Social Exclusion,
Tehran City, Contextual
Theory..

ABSTRACT

Introduction: With increasing urbanization in developing countries, urban poverty has also become an important social issue. The present study was conducted with the aim of explaining the phenomenon of poverty in Tehran through a qualitative, comprehensive and data-oriented research.

Method: The research method used is grounded theory, which belongs to qualitative methods. Data collection techniques included documentation and library methods, direct observation, written records, data recording, and the use of in-depth and semi-structured interviews. Sample selection was initially purposive and continued until theoretical saturation was achieved. In order to select a sample representative of the community under study, efforts were made to include a combination of age, gender, occupational and educational status, and residence in urban neighborhoods as much as possible. Participants included poor households living in the 17th, 18th, and 19th districts of Tehran. Several criteria were considered in the selection of participants, namely: 1. Be head of household; 2. Have lived in the city for at least two years; 3. Have been recognized as needy by residents and social activists in the neighborhoods, and their poverty was verified based on the testimonies of official (charity and aid organizations) and unofficial (residents, businesses, and social activists) agencies.

Findings: Based on this study, exclusion from the labor market, which includes all types of unemployment, incomplete and temporary, and low-income informal employment, is the main factor explaining the phenomenon of urban poverty in the city of Tehran. The results show that the urban poor have taken a number of measures to address urban poverty and migration has been one of their measures in the past and in the present. In the past, it was groups and ethnic groups; in recent years, it has been individuals. Due to the weakness of their economic and human capital, they have also been unable to enter the formal labor market, and underemployment of women and child labor are common among them. In the area of housing, there is the model of shared living in small spaces and sharing the appliances and facilities of the place of residence. In the field of treatment, alternative and informal treatment methods are used.

Conclusion: The results of this research show that unemployment, temporary and unstable work, which is one of the components of exclusion from the labor market, has led to the persistence of the poverty situation in the society studied and to a series of strategies of urban slums aimed at surviving and meeting the minimum needs. Social exclusion is not limited to small environments, but is also related to macro constructions and processes. Therefore, by referring to micro-environments through qualitative research, one can also observe the effects of macro-processes. In the macro dimension, the rapid development and growth of rapid urbanization has led to widespread migration of rural and unemployed villagers to cities, putting additional pressure on the urban labor market. The lack of infrastructure and opportunities for work and employment has led to many immigrants living in a state of subsistence poverty in the cities or on the outskirts of the cities and experiencing all kinds of social exclusion in their daily lives.

Cite this article: Hashemi, A., Azkia, M. & Mousavi, S. Y. (2022). Sociological Study on the Strategies of Urban Poor to Survive in the City (Case Study: Households of the Urban Slums in Tehran City). *Community Development (Rural and Urban)*, 14(2), 511-528.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749>

*Excerpted from Ph.D. thesis entitled: Sociological analysis of the lived experience of the urban poor of Tehran City in districts 17, 18 and 19, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Unit.

مطالعه جامعه‌شناختی راهبردهای تهیدستان شهری برای بقا در شهر

(مورد مطالعه: سرپرستان خانوارهای تهیدست شهر تهران)*

عبدالرسول هاشمی^۱ | مصطفی ازکیا^۲ | سید یعقوب موسوی^۳

۱. نویسنده مسئول، دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: r.hashemi35@yahoo.com
۲. استاد جامعه‌شناسی، گروه توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mazkia@ut.ac.ir
۳. دانشیار جامعه‌شناسی شهری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: y.mousavi91@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مقدمه: به موازات گسترش روند شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، فقر شهری نیز به‌عنوان یک مسئله مهم اجتماعی مطرح شده است. این مطالعه با هدف شناخت تجربه زیسته تهیدستان شهری در مواجهه با فقر و طرد اجتماعی در شهر تهران انجام شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۱	روش: روش تحقیق، نظریه زمینه‌ای است و از تکنیک‌های بررسی اسناد و مدارک و مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق شامل سرپرستان خانوارهای فقیر ساکن در مناطق مذکور با حداقل دو سال سکونت هستند. نمونه‌گیری در آغاز به‌صورت هدفمند بود و در ادامه تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۵	یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد تهیدستان شهری در مواجهه با فقر و طرد از بازار کار به مجموعه اقداماتی متوسل شده‌اند که مهاجرت یکی از آن‌ها در گذشته و حال بوده است. الگوی مهاجرت آنان در گذشته به‌صورت گروهی و قومی و در سال‌های اخیر به شکل فردی است. همچنین آنان به دلیل ضعف سرمایه‌های اقتصادی و انسانی قادر به جذب در بازار کار رسمی نبوده‌اند و اشتغال زنان و کار کودکان از پدیده‌های رایج در میان آن‌ها است. در زمینه مسکن، الگوی مسکن اشتراکی در متراژ کوچک و اشتراک در وسایل و امکانات محل زندگی وجود دارد. در زمینه درمان نیز از درمان‌های جای‌گزین و غیررسمی استفاده شده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸	نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر آن است که بیکاری و کار موقت و ناپایدار که از مؤلفه‌های طرد از بازار کار است، به تداوم وضعیت فقر در جامعه مورد مطالعه انجامیده است و به سلسله راهبردهایی توسط تهیدستان شهری منتهی شده که با هدف بقا و برآورده کردن حداقل نیازها به‌کار رفته است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲	
کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، راهبردهای تهیدستان، شهر تهران، طرد اجتماعی، فقر شهری.	

استناد: هاشمی، عبدالرسول، ازکیا، مصطفی و موسوی، سید یعقوب (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی راهبردهای تهیدستان شهری برای بقا در شهر (مورد مطالعه: سرپرستان خانوارهای تهیدست شهر تهران). *فصلنامه توسعه محلی (روستایی-شهری)*. ۱۴(۲): ۵۱۱-۵۲۸.

Doi: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.346654.668749>

* مستخرج از رساله دکتری با عنوان: تحلیل جامعه‌شناختی تجربه زیسته فقرای شهری تهران در مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۱. طرح مسئله

امروزه فقر و نابرابری از معضلات اصلی در شهرها است که خود متأثر از روند شهرنشینی گسترده در مقیاس جهانی و ملی روی داده است. آمارها در زمینه روند شهرنشینی نشان می‌دهد امروزه بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و این روند در حال گسترش است؛ به طوری که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، از هر ۱۰ نفر ۷ نفر از جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند. در این بین، حدود ۹۵ درصد توسعه شهری در دهه‌های آینده در کشورهای درحال توسعه اتفاق می‌افتد (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

در ایران، بررسی روند شهرنشینی بر مبنای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ بیانگر رشد شتابان شهرنشینی در کشور است؛ چنان‌که سهم جمعیت شهرنشین کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ رسیده است؛ در حالی که جمعیت روستانشین از ۶۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۱۲).

نتایج داده‌های آماری نشان می‌دهد جمعیت شهر تهران طی قرن چهاردهم هجری شمسی بیش از ۴۳ برابر شده و از حدود ۲۱۰ هزار نفر در آغاز قرن، به ۹/۱ میلیون نفر در پایان قرن رسیده است. این در حالی است که در این فاصله زمانی، جمعیت کل کشور حدود ۸/۵ برابر شده است (صادقی، ۱۴۰۱: ۱۹).

یکی از جلوه‌های بارز فقر شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده است. در این زمینه براساس گزارش‌ها، مساحت سکونتگاه غیررسمی شهر تهران ۵۵۵۳ هکتار و جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تهران ۱/۲ میلیون نفر برآورد شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۳۹۸). همچنین براساس اظهارات مقامات، حدود ۱۶/۸ درصد از مساحت شهر که ۷/۵ درصد سطح شهرها را شامل می‌شود، در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی است. به‌رحال در استان تهران، دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در حوزه حاشیه‌نشین‌ها و دو میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در بافت فرسوده سکونت دارند که به‌لحاظ جمعیتی ۳۶ درصد جمعیت استان تهران و به‌لحاظ سطح دربرگیری ۱۰ درصد جمعیت در حوزه بافت فرسوده سکونت دارند (محمدزاده، ۱۳۹۷).

همچنین مطالعات نشان می‌دهد مهاجرت به تهران همواره نقش زیادی در رشد و گسترش این شهر داشته است. نوع مهاجرت‌ها با توجه به منشأ روستایی و شهری و اسکان آن‌ها در مناطق ۲۲گانه شهر تهران متفاوت است. مناطق عمدتاً جنوبی شهر تهران بیشترین درصد مهاجران روستایی را به خود جذب کرده‌اند و بیشترین درصد مهاجران شهری با حدود ۸۴ درصد، به مناطق توسعه‌یافته‌تر مانند ۲، ۵، ۶ و ۱۴ وارد شده‌اند (زارع، ۱۳۸۹: ۲۶)؛ بنابراین پیشینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران در نحوه اسکان آن‌ها نقش داشته است. همچنین داده‌های آماری نشان می‌دهد طی دهه‌های گذشته، شکل‌گیری جمعیت در استان تهران متأثر از اسکان غیررسمی گروه‌های کم‌درآمد و استقرار بی‌رویه و پراکنده فعالیت در اراضی حاشیه‌ای و اطراف آبادی‌ها و شهرها و راه‌های اصلی منطقه بوده است (فتحی، ۱۳۹۷: ۳۲).

مطالعه حاضر با هدف تبیین پدیده فقر در شهر تهران از خلال یک پژوهش کیفی، جامع و داده‌محور انجام شده است. براساس این مطالعه، طرد از بازار کار شامل انواع بیکاری، اشتغال ناقص و موقت و غیررسمی با درآمد اندک عامل توضیح‌دهنده پدیده فقر شهری در تهران است؛ به‌گونه‌ای که ابعاد متعدد تجربه زیسته فقرای شهری را توضیح می‌دهد. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که تهیدستان شهری چه اقداماتی برای زیستن در شهر و در تقابل با طرد از بازار کار و فقر مزمن اتخاذ کرده‌اند و این اقدامات چه پیامدهایی داشته است.

۱-۱. حساسیت نظری

فقر شهری واجد ویژگی‌هایی است که آن را از فقر روستایی متمایز می‌سازد. راتن ویژگی‌های خاص فقر شهری را به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی و اختلال در کارکردهای صنعتی و مسکونی؛ ۲. آسیب‌پذیری ناشی از مبادله تجاری؛ ۳. تنوع اجتماعی، قطعه‌قطعه‌شدن و جرم و ۴. آسیب‌پذیری ناشی از مداخله دولت و نیروی پلیس (راتن^۱، ۱۹۹۵: ۲۰). آمیس^۲ نیز معتقد است مباحث فقر شهری با تمرکز بر مسئله شهرنشینی، از یک نکته مهم غفلت می‌کنند و آن فرایند پرولتاریاسازی نیروی کار کشاورزی و روستایی با میزان وابستگی معاش افراد به دستمزد نقد است. به عبارت دیگر، این مسئله آن چنان که به سرمایه‌داری مرتبط است، مشخصاً شهری تلقی نمی‌شود و می‌تواند به‌طور بالقوه در اقتصادهای روستایی هم شناسایی شود (آمیس، ۱۹۹۵: ۱۴۷).

همچنین در تبیین پدیده فقر شهری، برخی محققان مانند کائن (۱۹۶۸) نیز به جدایی‌گزینی سکونت همراه با سایر نیروهای اقتصادی توجه کرده‌اند که موجب طرد و انزوای ساکنان محله‌ها و بروز بیکاری مزمن شده است. از این‌رو جداسازی مکانی منبع فقر پایدار و عدم دسترسی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و فقر بین‌نسلی است. همچنین ویلسون^۳ (۱۹۸۷) با طرح مفهوم زیرطبقه^۴ به نقش فرایندهای اجتماعی در ایجاد نواحی فقیرنشین نشان داد ساکنان این مناطق، طرد و محرومیت چندگانه را تجربه می‌کنند (ولف^۵، ۲۰۰۷: ۶۲).

با توجه به محدودیت‌های واژه فقر و فقر شهری، یکی از مفاهیم ارائه‌شده، مفهوم طرد اجتماعی است. محققان ریشه این مفهوم را در آثار نویسندگان مختلف دانسته‌اند. از جمله هیلاری سیلور^۶ (۲۰۰۷) لیست بلند بالایی از جامعه‌شناسانی را که بر توسعه این مفهوم تأثیر داشته‌اند برمی‌شمرد، از جمله مارکس^۷، دورکیم^۸، وبر^۹، زیمل^{۱۰}، الیاس^{۱۱} و گافمن^{۱۲}. در نظریه مارکس، ماهیت کار در جوامع سرمایه‌داری به دلیل تجزیه آن به اجزا و تقسیم کار تخصصی و محدود کردن کارگران به جنبه‌هایی از تولید بیگانه‌کننده است (توسلی، ۱۳۷۵: ۹۷). بدین ترتیب، طرد اجتماعی در چارچوب مفهوم از خودبیگانگی قرار می‌گیرد. گیدنز^{۱۳} (۲۰۰۷) با الهام از مارکس معتقد است نهاد اقتصادی از طریق ارزش افزوده و استثمار، جامعه را به طبقات اقتصادی مبتنی بر شغل و درآمد تقسیم می‌کند. به لحاظ اجتماعی مطرود یعنی بیکار یا دارای مشاغل پاره‌وقت و موقت. وی از اصطلاح طرد اجتماعی به‌طور وسیعی برای اشاره به وضعیت گروه‌هایی که در قسمت زیرین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی (زیرطبقه) قرار دارند، استفاده می‌کند.

به‌طور کلی دو نوع تعریف برای توصیف طرد اجتماعی مطرح می‌شود. نخست، تعریف نسبتاً تقلیل‌گرایانه که خیلی به مفهوم فقر نسبی تاونسند^{۱۴} (۱۹۷۹) نزدیک است. به معنی فقدان منابع مادی و محروم بودن از الگوهای رایج فعالیت‌ها و رسوم متداول زندگی و

1. Wratten
2. Amis
3. Wilson
4. Underclass
5. Wolf
6. Silver
7. Marks
8. Durkheim
9. Weber
10. Simmel
11. Elias
12. Goffman
13. Giddens
14. Peter Townsend

دوم، معنی گسترده‌تر که نه تنها فقر را شامل می‌شود، بلکه ویژگی‌های دیگر از جمله نژاد، ملیت، قومیت، سن و جنس و جنسیت و بی‌قدرتی را دربرمی‌گیرد. هر یک از این ویژگی‌ها سبب می‌شود فرد یا گروهی به‌درستی در ساختار اجتماعی ننگند و به فقر منجر شود؛ بنابراین مفهوم طرد اجتماعی به معنی ازهم‌گسیختگی پیوند اجتماعی است و به روند کاهش مشارکت و همبستگی اجتماعی و دسترسی افراد و گروه‌ها اشاره دارد.

در مقایسه مفهوم فقر و طرد باید گفت طرد اجتماعی مفهومی چندوجهی و فراتر از ابعاد مادی و اقتصادی است و بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مانند طرد از حقوق شهروندی، طرد از مشارکت در زندگی اجتماعی و طرد جنسیتی اشاره دارد. همچنین روند طرد و محرومیت در جوامع پیچیده است و در کنار طرد از طرف دیگران، خود مطرودسازی نیز وجود دارد. انگ فقر سبب می‌شود فقرا از زندگی اجتماعی خود را کنار بکشند. داغ فقر هنگامی بیشتر احساس می‌شود که فقرا به دلیل ناتوانی در تهیه مایحتاج خود مانند خرید هدایا در مراسم و اعیاد و مهمانی‌ها شرکت نمی‌کنند (ناریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹۲). براین اساس فقر نیز خود عامل طرد اجتماعی می‌شود و عوامل اجتماعی و اقتصادی در چرخه انزوا و بی‌قدرتی همدیگر را تقویت می‌کنند. علل فقر و مطرودیت متعدد و فراتر از فقر اقتصادی است و به مجموعه عوامل و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد.

به‌منظور رفع ابهام از واژه طرد، همواره این سؤال مطرح شده که طرد از چه چیز. در پاسخ، گوردون و همکاران (۲۰۰۰)^۱ چهار بعد را برای طرد قائل شده‌اند که عبارت‌اند از: طرد از درآمد یا منابع کافی، طرد از بازار کار، طرد از خدمات، طرد از روابط اجتماعی. باین حال، شایان ذکر است که این ابعاد قابل تفکیک نیستند؛ برای مثال، طرد شدن از بازار کار معمولاً مستلزم طرد شدن از درآمد کافی و برخی روابط اجتماعی است؛ بنابراین، چنین تمایزی باید بیشتر به‌عنوان یک ابزار تحلیلی در نظر گرفته شود، نه ویژگی‌های تفاوت‌های واقعی.

طرد از بازار کار یکی از مؤلفه‌های اصلی طرد اجتماعی است که رابطه نزدیکی با فقر اقتصادی و اجتماعی دارد. طرد از بازار کار مفهومی رابطه‌ای و ساختارمند است و می‌توان آن را در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان مطرح کرد: در سطح خرد، به کنش‌های عاملان در بازار کار، در سطح میانی، به روابط کار بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی و در سطح کلان به ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که موجب خروج افراد از بازار کار می‌شود. در مجموع با توجه به تعاریف و توصیفات بیان شده، طرد از بازار کار شامل تمام فرایندها شرایط و عواملی است که سبب خروج افراد از بازار کار و بیکاری یا کار غیرمؤثر و اشتغال ناقص می‌شود.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده نظریه زمینه‌ای است که از روش‌های کیفی به‌شمار می‌رود. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها براساس داده‌های واقعی اقدام کند (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۰). تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها شامل روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مستقیم، یادداشت‌نویسی، ضبط داده‌ها و استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته بوده است.

روش نمونه‌گیری به‌کاررفته ابتدا به‌صورت هدفمند بود و در ادامه تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. بدین‌منظور ابتدا از هر منطقه سه محله که کمترین میزان توسعه‌یافتگی را داشتند، مشخص شدند. سپس با حضور محققان در میدان تحقیق، اقدام به جمع‌آوری

داده‌ها شد. برای انتخاب نمونه‌ای که معرف جامعه مورد مطالعه باشد، تلاش شد حتی‌الامکان ترکیبی از شرایط سنی، جنسی، شغلی و تحصیلی و محل سکونت در محله‌های شهری لحاظ شود.

مشارکت‌کنندگان شامل خانوارهای تهیدست ساکن در مناطق ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ شهر تهران بودند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، چند معیار در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از: ۱. سرپرست خانوار باشند؛ ۲. حداقل دو سال در شهر سکونت داشته باشند؛ ۳. توسط اهالی و فعالان اجتماعی در محله‌ها به‌عنوان نیازمند شناخته شده باشند و فقر معیشتی آنان با توجه به اظهارات مراجع رسمی (سازمان‌های خیریه و امدادرسان) و غیررسمی (اهالی، کسبه و فعالان اجتماعی) احراز شده باشد.

برای اطمینان از قابلیت اعتماد، از سه تکنیک متعارف و مرسوم استفاده شد که عبارت‌اند از: نخست، کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که در آن، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درمورد صحت آن‌ها نظر دهند؛ دوم، مقایسه‌های تحلیلی به این معنی که به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی شود؛ سوم، استفاده از تکنیک ممیزی که در این زمینه، چند متخصص (استاد) بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

۳. یافته‌ها

۳-۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

در مجموع ۳۷ نفر از افراد واجد شرایط تا رسیدن به اشیاع نظری در تحقیق مشارکت کردند. ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان در جدول ۱ آورده شده است. شایان ذکر است مشارکت‌کنندگان در زمان تحقیق یا بیکار بوده‌اند یا مشاغل پاره‌وقت و موقتی داشته‌اند و شرایط بیکاری را تجربه می‌کردند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

جنسیت	زن	مرد	اشتغال		شاغل موقت
			بیکار	بیکار	۲۳
سن	۲۰-۳۰ سال	۳۱-۴۰ سال	۴۱-۵۰ سال	۵۱-۶۰ سال	۶۱ و بیشتر
	۴	۸	۱۱	۹	۵
تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	لیسانس
	۷	۹	۱۱	۸	۲
مدت اقامت	کمتر از ۵ سال	۶ تا ۱۵ سال	۱۶ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶ و بیشتر
	۵	۱۲	۹	۷	۴

۳-۲. مفاهیم و مقوله‌ها

پس از انجام مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی، در مجموع ۱۵۰۰ نشانه، ۳۴۲ مفهوم، ۲۹ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی به‌دست آمد. مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از: ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، شرایط نامساعد اشتغال، آسیب‌های اجتماعی و انزوای اجتماعی. پس از استخراج مقوله‌های اصلی در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط این مقوله‌ها با مفاهیم و خرده‌مقولات آن‌ها در چارچوب مدل پارادایمی طراحی و بازنگری شد. در مجموع در مرحله کدگذاری محوری، پنج مقوله اصلی و مدل‌های مربوطه به دست آمد. سرانجام در مرحله کدگذاری گزینشی، با تلفیق مدل‌های پیشین، مدل نهایی تحقیق به‌دست

آمد و مقوله مرکزی با عنوان طرد اجتماعی از بازار کار ظاهر شد. این مقوله چنان بود که بیشترین هم‌پوشانی با سایر مفاهیم و مقوله‌ها را داشت و مورد تأکید مشارکت‌کنندگان بود.

نظریه‌ای که از این طریق به دست آمد، با عنوان طرد اجتماعی-اقتصادی از بازار کار شناخته شد. توضیح اینکه طرد اجتماعی از بازار کار، همه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر بیکاری و اشتغال ناقص و غیرمؤثر را شامل می‌شود. شرایط علی طرد از بازار کار شامل چهار مقوله عمده است که عبارت‌اند از: ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد اشتغال. براساس نتایج تحقیق، این شرایط موجب طرد افراد در بازار کار شده است. شرایط مداخله‌گر شامل نقش نهاد خانواده و خویشاوندی، نقش سازمان‌های رسمی و غیررسمی و اجتماعات محلی است. در این میان، راهبردهای فقرای شهری در چهار مقوله عمده مهاجرت، اشتغال، مسکن و درمان مطرح شده است.

۳-۳. راهبردها و پیامدها

راهبردها عمل تعامل‌ها و کنش و واکنش‌هایی هستند که افراد به‌طور هدفمند و در موقعیت‌های خاصی در پاسخ به مسائل و موضوعات حادث‌شده انجام می‌دهند و ممکن است عادی و از قبل تعیین‌شده، یا پیش‌بینی‌ناپذیر و حتی درونی و در قالب گفت‌وگو با خود یا به‌صورت فردی یا گروهی باشند (استراوس، کربین، ۱۳۹۸: ۱۵۵-۱۵۶).

تهیدستان شهری، راهبردهای متعددی را برای مقابله با فقر به‌کار گرفته‌اند که پیامدهای متعددی داشته است. اشتغال زنان یکی از راهبردهای آنان بوده است که تا حدودی به کسب استقلال و اقتدار بیشتر زنان در خانه منجر شده و از طرفی دیگر چه‌بسا زمینه تعارض نقش‌ها و احیاناً خشونت خانگی فراهم کرده باشد. راهبرد کار کودکان به ترک تحصیل و انزوا از نهادهای آموزشی و استمرار فقر بین‌نسلی منجر می‌شود. شرایط نامساعد محیط کار و اشتغال، زمینه‌های آسیب‌دیدگی جسمی و روانی افراد را فراهم کرده است. گسترش ناامنی اجتماعی و شیوع اعتیاد، کاهش سطح انتظارات، یأس و ناامیدی و آسیب‌های روانی، از جمله پیامدهای ناخواسته شرایط نامساعد اشتغال و فقر و بیکاری بوده است. در جدول ۲ مفاهیم و مقوله‌ها براساس راهبردها و پیامدها تنظیم شده است.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های راهبردی و پیامدی فقرای شهری

مقولات	مفاهیم
مهاجرت	مهاجرت‌های فصلی، مهاجرت‌های گروهی، مهاجرت متناوب، مهاجرت معکوس، مهاجرت قومی، مهاجرت خانوادگی، جدایی محل اسکان و اشتغال
اسکان	اسکان مشترک، مسکن نامناسب، استفاده از فضاهای عمومی برای اسکان، مسکن فرسوده و عدم دوام بنا، استفاده از مصالح نامرغوب، نامشخص بودن وضعیت مالکیت، ریزدانی، کمبود سطح زیربنا، اسکان در مکان‌های فاقد ایمنی، اسکان در منازل غیربهداشتی، استفاده مشترک از امکانات شهری، گرانی مسکن، نقض حریم شخصی
اشتغال	بیکاری مزمن، بیکاری موقت، مشاغل موقت، مشاغل ناپایدار، کار کودکان، اشتغال زنان، کار طولانی‌مدت، کار طاقت‌فرسا، تعدد مشاغل پاره‌وقت، مشاغل سیاه، دست‌فروشی، فروشندگی دوره‌گرد، درآمد ناکافی، تخلف از مواد قرارداد، کار غیرقانونی
درمان	بیماری مزمن، معلولیت ارثی، بیماری ارثی، ازدواج خانوادگی، فروش سرمایه برای درمان، استفاده مشترک از دفترچه بیمه، قرض‌گرفتن، خوددرمانی، درمان خانگی، استفاده از مواد مخدر برای درمان، عدم پوشش بیمه، تعویق زمان درمان، قطع مصرف دارو، هزینه بالای درمان، مشکل تهیه دارو، مشکل دسترسی به پزشک، پول‌محوری در درمان

۳-۴. مهاجرت

تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد آهنگ مهاجرت از روستاها به شهرها از آهنگ ایجاد مشاغل شهری فراتر رفته است (تودارو، ۱۳۷۰: ۳۸۱). چنین روندی به بیکاری پنهان و آشکار مهاجران انجامیده است. همچنین در ادبیات توسعه، رشد ناهماهنگ شهر و روستا و به عبارت دیگر وجود تضاد و نابرابری اقتصادی-اجتماعی میان این دو فضاهای سکونتگاهی، از عوامل عمده در بحث مهاجرت روستاییان به شهر قلمداد شده است (جلالیان و محمدی یگانه، ۱۳۸۶). همچنین موضوع مهاجرت و تأثیر آن بر ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه شهری و به خصوص نهاد خانواده در اثر ماندگار توماس و زنانیکی با عنوان *دهقان لهستانی* در چارچوب مکتب شیکاگو مطالعه شده است. آنان دربارهٔ هویت فرهنگی و تغییر اجتماعی در جماعت مهاجر لهستانی در ایالات متحده، مطالعاتی صورت دادند و بر تأثیرات مخرب مهاجرت بر ابعاد مختلف اجتماعات و زندگی خانوادگی تأکید کردند. تامس تحقیقات خود را در موضوعاتی مانند مهاجرت، گروه‌های اقلیت قومی، زنان و انحرافات اجتماعی از پیش از جنگ جهانی اول آغاز کرده بود (نقدی، ۱۳۹۲: ۲۹).

نتایج نشان می‌دهد مهاجرت همواره نقش عمده‌ای در گذشته و حال در زندگی تهیدستان شهری داشته است. بیکاری مزمن و نداشتن منبع درآمدی مکفی، از دلایل عمده مهاجرت تهیدستان روستایی به شهر بوده است. در این زمینه اغلب قریب به اتفاق مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که به دلیل بیکاری و نداشتن درآمد کافی و به‌طور کلی ضعف سرمایه اقتصادی به شهر تهران روی آورده‌اند: «تهران فقط به خاطر کار هستیم. تو روستامون اصلاً کار نبود. اگر از گرسنگی می‌مردم هم کار پیدا نمی‌شد» (مرد ۳۷ ساله). و اینکه: «روستامون کار نبود. گفتیم بیایم تهران شاید وضعمون بهتر بشه» (زن ۲۰ ساله). این مقوله خود شامل مفاهیم متعددی است مانند: مهاجرت‌های فصلی، مهاجرت‌های گروهی، مهاجرت متناوب و مهاجرت معکوس.

مهاجرت فصلی یکی از ابعاد مهاجرت‌های موقت قلمداد می‌شود که بنا به تغییر فصل و عدم امکان کار کشاورزی و دامداری به‌خصوص در مناطق سرد کوهستانی اتفاق افتاده است. فصلی‌بودن و تکرار شونده‌گی از ویژگی‌های این نوع مهاجرت است: «در روستای ما (اطراف طالقان) مردم زمستون‌ها چون هیچ کاروکاسبی ندارند، می‌آن تهران برای کار و از بهار تا آخر تابستون که می‌شه باغداری کرد برمی‌گردن» (مرد ۳۵ ساله).

مهاجرت گروهی در اشکال قومی و خانوادگی، از دیگر اشکال مهاجرت ذکر شده که در گذشته اتفاق افتاده و تأثیر آن در بافت قومی محله‌های شهری مشهود است. در این زمینه در برخی از محله‌های جنوبی شهر تهران، اقوام مختلفی از مناطق مختلف کشور ساکن‌اند که در گذشته به تهران مهاجرت کرده‌اند و هنوز رابطه قومی و خویشاوندی با یکدیگر دارند: «تو یافت‌آباد جنوبی، اقوام ما از زندیه که در زمان کریم‌خان زند مهاجرت کرده‌ن و هنوز روابط قومی و خانوادگی دارن زندگی می‌کنن» (مرد ۳۷ ساله). و اینکه «همشه‌ری‌هامون همه این محله (نوروزآباد) هستن. از اول هم که اومدیم تهران اینجا ساکن شدیم» (زن ۵۵ ساله). برخی مهاجرت‌ها نیز به‌صورت خانوادگی اتفاق افتاده است که طی آن، اعضای خانواده مانند فرزندان مهاجرت کرده‌اند: «بستگان شوهرم هشت تا برادر بودن. همه‌شون اومدن تهران» (زن ۶۵ ساله).

رفت‌وآمد دائم یا موقت بین محل سکونت و محل کار، از جمله راهبردهای مهاجران روستایی در شهرها برای مقابله با مشکلات معیشتی است. این راهبرد به‌دلیل هزینه‌های بالای زندگی در شهر تهران مانند هزینه مسکن اتخاذ شده است. به این صورت که سرپرست خانوار برای کار به شهر مراجعه و هرازچندگاهی بین محل سکونت خانواده و محل کار رفت‌وآمد می‌کند. مشاهدات حاکی از آن است که در برخی موارد، بعد از مدتی این رفت‌وآمدها سرانجام به اسکان دائم در شهر منتهی شده است: «شوهرم ده سال تهران

کار می‌کرد و ما شهرستان بودیم» (زن ۵۵ ساله). همچنین: «چند سال بعد از ازدواجمون شوهرم می‌اومد تهران کار می‌کرد، ما تو روستا پیش مادرشوهرم زندگی می‌کردیم» (زن ۳۷ ساله).

مهاجرت معکوس از دیگر اشکال مهاجرت بوده است. در این زمینه با توجه به شرایط دشوار معیشتی و هزینه بالای مسکن در شهر، در برخی موارد مهاجران تازه‌وارد به شهر، ناگزیر از بازگشت به شهر و دیار خود بوده‌اند: «تعدادی از کوهدشت لرستان یه مدت اومده بودن. یه سال موندن دیدن کرایه خونه نمی‌تونستن برسونن، برگشتن شهرستان» (مرد ۴۰ ساله).

مهاجرت پیامدهای متعددی برای افراد و خانوارها داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد ضعف روابط خانوادگی و خویشاوندی، از پیامدهای مهاجرت به شهر و جداسدن از جامعه محلی است. «قبلاً تو روستامون همه فامیل بودن. اگه مشکلی پیش می‌اومد کمک می‌کردن، اما الان هرکی برای خودش. کسی کاری به کسی نداره» (زن ۳۷ ساله). همچنین: «تهران هم چند تا فامیل داریم، ولی باشون رفت‌وآمدی نداریم. محل نمی‌ذارن» (زن ۲۵ ساله).

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد پس از مهاجرت، پیوندهای خویشاوندی نیز تضعیف شده و اقتصادمحوری و سودجویی حتی در روابط خویشاوندی بروز پیدا کرده است: «نه ساله که اومدم تهران. تا حالا که جدا شدم، بعدش دوباره رفتم شمال از بستگانم خواستم کمک کنن دیدم حمایتی ندارم، سرپناهی اونجا نداشتیم. برادرارم شهرستان کاری به ما ندارن. حمایتی ازم نکردن» (زن ۳۸ ساله). همچنین روابط طبقاتی در شهر که براساس معیارها و ارزش‌های اقتصادی قرار دارد، بر کاهش روابط خویشاوندی مؤثر بوده است: «شوهرخواهرم نونوایی بربری شمال تهران داره. وضعشون خوبه، اما خیلی از ما دور هستن و هیچ کمکی به ما نمی‌کنن. حتی دنبال کار شوهرم نمی‌رن. یه بار هم که وضعمونو بهشون گفتیم نیومدن» (زن ۳۷ سال).

۳-۶. اسکان

یکی از جلوه‌های بارز فقر شهری، مسکن نامناسب است. تهیدست شهری به دلیل نبود سرمایه و درآمد کافی، به ناچار در مکان‌هایی سکنی گزیده‌اند که فاقد امکانات و استانداردهای معمول است. فقر مسکن شهری در بسیاری از تحقیقات به تفصیل بحث شده است (پیران، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۶؛ جواهری‌پور، ۱۳۹۴). این موضوع با توجه به افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرها، از مشکلات حاد شهرها قلمداد می‌شود. شواهد نشان می‌دهد این مشکل به خصوص پس از ازدواج و زندگی مشترک افراد، بیشتر گریبانگیر زوجین شده است. اشتراک در مسکن و امکانات سکونت، یکی از راهبردهای مقابله با این مشکل بوده است که خود تبعات و مشکلات اجتماعی و روان‌شناختی متعددی به همراه داشته است. این مقوله شامل مفاهیمی مانند اسکان مشترک، مسکن فاقد امکانات رفاهی و بهداشتی (مانند حمام و توالت، عدم برخورداری از زیرساخت‌های اساسی و انشعابات ضروری، عدم بهره‌مندی از امکانات گرمایی و سرمایشی)، استفاده از فضاهای عمومی برای اسکان، مسکن فرسوده و عدم دوام بنا و استفاده از مصالح نامرغوب و بدون مشخص بودن وضعیت مالکیت، ریزدانی و کمبود سطح زیربنا، اسکان در مکان‌های فاقد ایمنی (مانند مسیر رودخانه، قنات و چاه و زیر دکل‌های برق، کنار خطوط راه‌آهن) به دلیل ارزان بودن آن‌ها، اسکان در مکان‌های غیربهداشتی و دارای حیوانات و حشرات موذی و خانه‌های دارای رطوبت و... است.

در زمینه اسکان مشترک، اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد در برخی موارد، چند خانوار با اجاره اتاقی واحد اقدام به تفکیک آن با پرده یا مانعی کرده و مشترکاً از آن استفاده کرده‌اند. «امروز شاهد پدیده جدیدی هستیم و اون هم زندگی مشترک چند خانوار در یک منزل اجاره‌ای برای مثال ۳۰ متریه که تو یه اتاق پرده می‌کشن و دو خانواده زندگی می‌کنن» (مرد ۵۰ ساله). یا: «تهران که

اومدیم، هیچ جایی نداشتیم. هزینه مسکن هم خیلی بالا بود نمی‌رسوندیم. آخرش با یکی از همشهری‌ها مون خونه‌ای تو یافت‌آباد اجاره کردیم، تا دو سال مشترک استفاده می‌کردیم. چاره‌ای نداشتیم» (مرد ۴۷ ساله).

استفاده مشترک از امکانات سکونت، از دیگر راهبردهای تهیدستان شهری بوده است: «خونه‌مون گازکشی نبود. مجبور بودیم زمستون با بخاری نفتی خونه رو گرم کنیم. حموم نداشتیم. به صورت مشترک از حموم همسایه استفاده می‌کردیم» (زن ۵۵ ساله). همچنین: «این اتاق رو ماهی پونصد هزار تومن اجاره کردیم، سه تومن پول پیش. حموم و دستشوییش هم مشترک با صاحب‌خونه» (مرد ۳۷ ساله). همچنین سکونت در مناطق فاقد ایمنی، از جمله راهبردهای ناگزیر بوده است: «این خونه که گرفتیم زیرش قنات بود. یه بار خونه نشست کرد، تمام زندگی و وسایلمون از بین رفت» (مرد ۶۵ ساله).

استفاده از فضاهای عمومی برای سکونت و رفع نیازهای بهداشتی، از موارد مطرح شده است: «برای مدت زیادی تو یه محیط کوچیک بدون آب و برق و دستشویی زندگی می‌کردیم. حتی حموم نداشتیم و برای حموم از استخر مجموعه ورزشی استفاده می‌کردیم. برق نداشتیم و با کشیدن یه سیم برق از همسایه، روشنایی خونه رو تأمین می‌کردیم» (مرد ۴۷ ساله). این شیوه به خصوص در بدو ورود به شهر مورد استفاده برخی تهیدستان قرار گرفته است: «موقعی که برای درمان اومدم تهران، یه مدت اصلاً جا نداشتیم. مجبور بودم شب‌ها تو پارک‌ها بخوابم» (زن ۲۵ ساله). در این زمینه، اسکان در برخی مواقع به صورت چادرزدن در کنار پارک‌ها و بزرگراه‌ها و معابر عمومی بوده است: «تو این محله تعدادی هستن که کارشون جمع‌آوری زباله‌ست و با زدن چادر به صورت مشترک زندگی می‌کنند» (مرد ۳۵ ساله).

اسکان نامناسب پیامدهای متعددی داشته است، مانند: نقض حریم شخصی که در اثر سکونت در محیط‌های شلوغ و پرازدحام و سکونت در منزل مشترک ایجاد شده، تشدید بیماری و بروز بیماری‌های ناشی از سکونت در محیط‌های غیربهداشتی و شیوع بیماری‌هایی مانند روماتیسم و بیماری‌های پوستی. همچنین بروز تنش بین ساکنان که موجب سلب آسایش روانی افراد شده است.

۳-۷. اشتغال

اشتغال تهیدستان شهری اغلب با ویژگی‌هایی از قبیل غیررسمی، موقتی، کاذب، خدماتی سطح پایین، بی‌ثبات و آسیب‌پذیر در مقابل مخاطرات و درآمد اندک توصیف شده است (راتن^۱، ۱۹۹۵؛ دوسوتو^۲، ۱۳۸۶، نارایان^۳ و همکاران، ۱۳۹۰، چمبرز^۴، ۱۹۸۹). یکی از وجوه مهم کار و اشتغال فقرای شهری، غیررسمی بودن است. اقتصاد غیررسمی در مقابل اقتصاد رسمی قرار دارد. این اصطلاح اولین بار توسط هارت در دهه ۱۹۷۰ به دنبال مهاجرت روستاییان به شهرها و محدود شدن قدرت جذب نیروی کار در بخش صنعت در اقتصادهای درحال توسعه به کار گرفته شد. بسیاری از مهاجران به ناچار در بخش‌های غیررسمی مشغول کار هستند که شرایط نامطلوب و درآمد اندک و بی‌ثبات دارند (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۱۵۶).

در عام‌ترین تعریف، بخش غیررسمی، هرگونه فعالیت اقتصادی یا منبع درآمدی است که در معرض مقررات دولتی و مالیاتی یا مشاهده قرار نمی‌گیرند. مزومدر^۵ (۱۹۷۶) بخش غیررسمی را برخلاف بخش رسمی که از حمایت‌های قانونی برخوردار است، از قوانین تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و قوانین کار محروم می‌داند (بختیاری و خوب‌خواهی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در نتیجه غیررسمی بودن اشتغال فقرای

1. Wratten
2. Dosoto
3. Narayan
4. Chambers
5. Mazumdar

شهری، به آسیب‌پذیری بالا در مقابل مخاطرات اقتصادی و طرد از بازار کار منجر می‌شود. با وجود این، بخش غیررسمی به اشتغال منحصر نمی‌شود، بلکه در همه ابعاد زندگی فقرای شهری کم‌وبیش جریان داشته است، مانند مسکن، آموزش، بهداشت و درمان. اشتغال ناقص به‌عنوان مقوله اصلی شامل انواع اشتغال موقت و غیررسمی، مشاغل کاذب مانند خریدوفروش اجناس به‌طور دوره‌گرد و دست‌فروشی و اشتغال زنان در مشاغل خانگی کم‌بازده و کار کودکان است. اشتغال ناقص در شرایطی که مهاجران فقیر روستایی قادر به جذب در بازار کار رسمی شهری نیستند، مهم‌ترین راهبرد آنان برای معیشت در کلان‌شهری مانند تهران بوده است. مشاهدات حاکی از آن است که این نوع اشتغال مستلزم استفاده از هرگونه فرصت برای کسب درآمد پولی در شهر است و اغلب خانوارهای تهیدست شهری، ناگزیر از به‌کارگیری همه منابع اعم از سرمایه‌های جسمی و انسانی و اجتماعی خود برای اشتغال حداکثری اعضای خانوار مانند کار کودکان و زنان بوده‌اند: «هم خودم هم دخترم کار می‌کنیم. دخترم دیگه مدرسه نرفت. رفوگری می‌کنه. خودم هم خیاطی می‌کنم. پسر هم ۱۲ سالشه، می‌ره جمع‌آوری زباله، صبح می‌ره شب می‌آد» (زن ۳۵ ساله). همچنین: «خودم هم بافندگی می‌کنم، بیرون هم برای رستوران آشپزی می‌کنم تا زندگی مون بچرخه» (زن ۴۰ ساله).

از جمله راهبردهای به‌کارگرفته‌شده، افزایش ساعات کار و تعدد مشاغل برای جبران هزینه‌ها است: «چند سال تو خشک‌شویی کار کردم، بعد از ظهر هم به کار نگهبانی گرفتم. صبح تا شب می‌دویدم. اینا همه‌ش چیزی نمی‌شد. بازم هشتمون گرو نهمون بود» (مرد ۵۴ ساله). همچنین: «پسر صبح ساعت پنج می‌ره بازار، کارگر کارگاه کفاشیه و کارش قالب‌زدن کفشه تا شب که ساعت ده می‌آد خونه» (زن ۵۵ ساله). از پیامدهای چنین راهبردهایی دوری از محیط خانواده و کاهش ارتباط والدین با کودکان است که خود تأثیری منفی در رشد کودکان دارد: «شوهرم مدت پونزده سال حتی پنج‌شنبه جمعه‌ها هم وای می‌ستاد نونوایی، خونه نمی‌اومد. هر دو هفته به بار می‌اومد خونه، بچه‌ها نمی‌دیدنش» (زن ۴۵ ساله).

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد اشتغال در بازار کار شهری همواره براساس تخصص، مهارت و آموزش نبوده است، بلکه شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان سرمایه اجتماعی نقش داشته است. یکی از راهبردها در این زمینه، استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بدو ورود به شهر برای کسب مشاغل است: «شهرستان که بودیم، هیچ کار درست و حسابی نداشتیم. پسر دیلمشو گرفته بود، کار براش پیدا نمی‌شد. تا اینکه به داییش که تو تهران زندگی می‌کرد گفتیم، اونم براش تو شرکت پگاه کار گیر آورد» (زن ۴۷ ساله). همچنین برخی مشارکت‌کنندگان، فقدان شبکه اجتماعی را در عدم اشتغال خود مؤثر دانسته‌اند: «کار هم آشنا و پارتنی می‌خواد. ما هم کسی رو تهران نداریم» (زن ۲۵ ساله).

همچنین کار کودکان پیامدهای متعددی به همراه داشته است. یکی از پیامدها بازماندن آنان از تحصیل و خروج از محیط آموزشی است که به تداوم فقر در نسل‌های بعدی می‌انجامد: «پسرم تا سیکل درس خونده. باباش که مریض شد دیگه نتونست بره مدرسه. از ۱۶ سالگی تو شهر بازی کار می‌کرد تا خرج خونه رو بده» (زن ۶۰ ساله).

نیاز خانوار به کار کودکان به‌ویژه در دوران بیماری همه‌گیر کرونا که خانوار با کاهش درآمد در اثر تعطیلی مشاغل روبه‌رو بوده‌اند و از طرف دیگر کاهش حضور فیزیکی در مدرسه و نداشتن ابزار ارتباطی مناسب برای برخورداری از آموزش مجازی، به خروج فرزندان خانوارهای تهیدست از آموزش رسمی منجر شده است: «پسر می‌خواستم ببرمش سرکار، رفتم با مدرسه صحبت کردم گفتم مدرسه نیاد که قبول نکردن. تلویزیون برامون آوردن که بازم ناچار شدم به‌خاطر خرج ببرمش سرکار» (زن ۵۵ ساله). از طرف دیگر، با از کار افتادگی سرپرست خانوار، کار کودکان تنها گزینه خانوارها در بسیاری مواقع بوده است: «بعد از اینکه شوهرم بیکار شد و ناراحتی اعصاب گرفت، پسرمو فرستادم سرکار تو به شهر بازی مشغول شد» (زن ۶۰ ساله). در نتیجه کار کودکان به‌عنوان یک راهبرد برای بقا در شهر، چرخه فقر را تقویت و تکمیل می‌کند و به بازتولید آن می‌انجامد.

همچنین اشتغال زنان در خارج از خانه، از جمله راهبردهای کسب درآمد خانوارهای تهیدست بوده است. به طور سنتی کار خارج از خانه برعهده مردان سرپرست خانوار بوده است، اما در مورد فقرای شهری، عواملی مانند بیکاری مردان و فقدان درآمد کافی و هزینه‌های بالای زندگی در کلان‌شهرها، زنان را به اشتغال در خارج از خانه سوق داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با خارج شدن مردان سرپرست خانوار از بازار کار به دلایلی مانند آسیب‌دیدگی جسمی و ذهنی، اعتیاد و ترک منزل، بسیاری از زنان وظیفه نان‌آوری و امرارمعاش خانواده را برعهده گرفته‌اند: «شوهرم که فوت کرد، هم خودم هم دخترم کار می‌کنیم. دخترم دیگه مدرسه نرفت، رفوگری می‌کنه. خودمم خیاطی می‌کنم. پسر ۱۲ سالشه، می‌ره جمع‌آوری زباله، صبح می‌ره شب می‌آد» (زن ۳۵ ساله). همچنین: «خودم هم بافندگی می‌کنم هم برای رستوران آشپزی می‌کنم تا زندگی مون بگذره» (زن ۴۰ ساله).

اشتغال زنان ضمن اینکه تا حدودی استقلال اقتصادی و اقتدار زنان در خانه را برای آنان به ارمغان داشته، سبب تعارض نقش‌ها و بعضاً خشونت خانگی نیز شده است. خشونت خانگی از جهات متعدد قابل مطالعه است. از جمله این پیامدها تغییر در نقش‌های خانوادگی است. در این میان، بیکاری و درآمد ناکافی سرپرستان مرد خانوار موجب شده زنان نقش بیشتری در امرارمعاش خانوار برعهده گیرند و از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردار شوند. ناتوانی مردان در تأمین معاش خانواده موجب سرافکندگی آنان شده و زمینه بروز تنش و خشونت در روابط خانوادگی را فراهم کرده است. خشونت خانگی ابعاد متعدد فیزیکی، کلامی و عاطفی داشته است. «تو روستا به روز با پسر می‌خواستیم بریم سرکار، دیدم شوهرم بلند شد. فکر کردم می‌خواد با ما بیاد سرکار، اما شیشه آب یخ‌زده برداشت طرفم پرت کرد. پسر دستشو برد جلو که نذاره به من بخوره که بطری آب خورد به دستش بعد خورد به سر من» (زن ۴۵ ساله).

همچنین ازدست‌دادن کار و شغل مردان سرپرست خانوار موجب واردشدن فشار عصبی و روانی زیادی به خانواده و خشونت خانگی شده است: «بعد از اینکه شوهرم کارشو از دست داد مریض شد، ناراحتی عصبی گرفت. با من درگیر می‌شد، منو می‌زد، اذیت می‌کرد» (زن ۶۰ ساله). همچنین خشونت کلامی از دیگر مفاهیم مطرح شده است. ناتوانی در تأمین هزینه رسوم اجتماعی مانند جهیزیه برای زنان، از علل خشونت کلامی عنوان شده است: «هر وقت با شوهرم بحثمون می‌شه، نداشتمن جهیزیه مناسبو به رخم می‌کشه. می‌گه تو چیزی نداشستی» (زن ۳۵ ساله). همچنین: «خودم به خاطر نداشتمن جهیزیه مناسب طعنه و سرکوفت از همسر و اطرافیان زیاد شنیدم. نمی‌خوام دخترم همین راه رو بره» (زن ۵۵ ساله).

۳-۸. درمان

سلامت جسمانی و روانی به‌عنوان سرمایه انسانی در رویکرد توسعه انسانی اهمیت محوری دارد و در رویکرد فقر قابلیت توسط آمارتیا سن (۲۰۰۰) نیز بر آن تأکید شده است. سرمایه انسانی دارای ابعادی از قبیل آموزش و تحصیلات، مهارت و تخصص، بهداشت و درمان است. هریک از این ابعاد با ارتقای نیروی کار، سبب انباشت سرمایه انسانی و متعاقب آن، افزایش رشد اقتصادی می‌شود. نکته اساسی آن است که ابعاد سرمایه انسانی، ارتباط متقابل و نزدیکی با یکدیگر دارند؛ بنابراین ضعف جسمانی و فقدان آموزش و مهارت، به خروج از بازار کار منتهی می‌شوند. مشاهدات نشان می‌دهد بدن مهم‌ترین سرمایه فقرای شهری بوده که متأثر از فقر و طرد اجتماعی دچار آسیب شده است. تهیدستان شهری به‌منظور حفظ سلامتی و درمان خود، در شهر راهبردهای متعددی به کار گرفته‌اند. این راهبردها با توجه به ضعف سرمایه اقتصادی و مالی، در بسیاری مواقع خارج از روش‌های رسمی مانند مراجعه به مراکز درمانی انجام شده است. خوددرمانی، درمان‌های سنتی، درمان‌های خانگی و استفاده از مواد مخدر از این موارد است.

خوددرمانی و استفاده از داروهای سنتی و خانگی، خود متأثر از ضعف سرمایه مالی است: «وقتی مریض می‌شیم، بعضی وقت‌ها مجبوریم به قرصی چیزی از داروخونه بگیریم بخوریم» (زن ۳۷ ساله). همچنین: «وقتی مریض می‌شیم با داروهای خونگی درمان می‌کنیم. هزینه‌های دکتر خیلی بالاست، وسعمون نمی‌رسه» (زن ۵۴ ساله).

همچنین از روش‌هایی که توسط برخی تهیدستان شهری برای درمان و جبران ضعف جسمانی به کار گرفته شده، استفاده از موادمخدر برای درمان و جبران ضعف جسمانی و تسکین درد است. یکی از پیامدهای چنین راهبردی، گسترش اعتیاد و سرایت مصرف موادمخدر به دیگر اعضای خانواده و اطرافیان است: «تو روستامون مادرشوهرم سرطان داشت، شوهرم برای مادرش تریاک می‌خرید که خوب بشه، بعد مادرش که می‌کشید، به پسرش هم می‌داد. پنج تا پسر داشت به هر پنج پسرش می‌داد و شوهرم هم تریاکی شد. شیره درست می‌کرد می‌کشید» (زن ۴۹ ساله). همچنین: «سه سال آقامون تو شهرداری سرکار رفت. چون ناراحتی اعصاب داشت بهش گفتن تریاک بکش برات خوبه، اونم ساده‌ست، باور کرد و معتاد شد» (زن ۶۵ ساله).

تأمین هزینه‌های درمان، از دغدغه‌های اصلی تهیدستان شهری بوده است و بدین منظور راهبردهای متعددی در پیش گرفته‌اند، مانند: فروش اسباب و وسایل منزل، قرض گرفتن پول از خویشاوندان، استفاده مشترک از دفترچه بیمه، مراجعه به درمانگاه‌های خیریه و استفاده از احسان در درمان. در این زمینه، فروش سرمایه‌های اقتصادی مانند لوازم منزل به‌ویژه وقتی به کار گرفته شده که افراد به بیماری‌های صعب‌العلاج مبتلا شوند. پیامد چنین راهبردی، فقر بیشتر خانوار بوده است: «سال ۹۲ حدود ۲۸ میلیون تومن از جیب خودمون هزینه درمان کردم و هرچی داروندارمون بود فروختیم و خرج عمل کلیه کردیم. دیگه چیزی برامون نموند» (زن ۲۷ ساله). همچنین: «پسرم بیماری خاصی داشت. چند جا بردیمش دکتر گفتن باید عمل کنه. مجبور شدیم هرچی پول و پس‌انداز و وسیله داشتیم بفروشیم» (مرد ۶۲ ساله). همچنین قرض گرفتن از خویشاوندان، از روش‌های تأمین هزینه‌های درمان بوده است: «برای درمان پاهام ناچار شدم از دوامون پول قرض بگیرم» (مرد ۴۵ ساله) و اینکه: «شوهرم که مریض شد تنونستیم بیمارستان بستری کنیم تا اینکه داداشم چند تومن بهمون پول قرض داد. بعد بهش پس دادیم» (زن ۳۷ ساله).

فقدان منابع مالی و نبود درمان و مراقبت‌های بهداشتی، پیامدهای متعددی برای افراد داشته است. خودداری از درمان، به تداوم یا تشدید بیماری انجامیده است. بیماری‌های ارثی و ژنتیکی به دلایل متعدد از جمله ازدواج‌های خویشاوندی و درون‌گروهی و عدم انجام آزمایش‌های قبل از ازدواج در میان تهیدستان شهری روی داده است: «باجناقم تهرانه. هشت تا بچه داشت، سه تاشون ناشنوا هستن. اونایی هم که شنوا هستن یکیش پاش می‌لنگه، یکی از دخترش که ناشنواست ازدواج کرده، شوهرش هم ناشنواست، اون وقت دو تا بچه داره که یکیش ناشنواست» (مرد ۶۵ ساله). همچنین: «خودم مشکل قلبی دارم. قبل از ازدواج هم این‌طور بودم. الان هم دخترم ۹ سالشه این‌طوره. بردیمش دکتر گفت ارثیه» (زن ۳۷ ساله).

همچنین مشاهدات حاکی از آن است که ناآگاهی و نبود مراقبت‌های پزشکی قبل از ازدواج و فرزندآوری، به معلولیت و بیماری‌های ارثی منتهی شده است: «پدرم با دخترخاله‌ش ازدواج کرد، دخترخاله‌ش مشکل ذهنی داشته، پنج تا بچه هم پشت سرهم آورد، همه‌شون معلول ذهنی هستن. در اثر ازدواج‌های درون‌گروهی، بیماری‌های ارثی و معلولیت اتفاق افتاده، نمی‌دونستن. اون موقع آزمایش و این چیزا نبوده» (مرد ۳۵ ساله).

همچنین هزینه‌های بالای درمان، به عدم مراجعه به مراکز درمانی و خودداری از درمان منجر شده است: «یه بار بچهم تب کرد پول نداشتم ببرمش دکتر، مجبور شدم تو خونه بمونم» (مرد ۵۶ ساله). همچنین: «چشمم آب آورده وسعشو ندارم که عمل کنم. مجبورم تحمل کنم» (مرد ۶۵ ساله). «تو بیمارستان برای بچه‌دارشدن دکترا می‌گن باید آی‌وی‌اف کنی که هزینه‌ش خیلی بالاست و نمی‌تونیم جور کنیم. زورمون نمی‌رسه، مجبورم بی‌خیال بشم» (زن ۲۵ ساله).

یکی دیگر از پیامدهای ضعف سرمایه اقتصادی و مالی، تعویق زمان درمان بوده که به تداوم بیماری انجامیده است: «مدت‌هاست که می‌خواهم عمل کنم، پول ندارم. مجبورم صبر کنم شاید بعداً بتوانم عمل کنم» (زن ۴۵ ساله). همچنین تهیدستان به دلیل نبود منابع مالی در بسیاری مواقع ناچار به انتخاب‌های سخت بوده‌اند. انتخاب بین درمان یا تأمین هزینه رسوم اجتماعی از این موارد است: «دیسک کمر دارم دکترا گفتن بهتره عمل کنم، اما فعلاً دخترم می‌خواد ازدواج کنه، پول جهیزیه‌شو باید جور کنم تا بعداً ببینم چی می‌شه» (زن ۵۵ ساله).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

طرد اجتماعی صرفاً به محیط‌های خرد منحصر نمی‌شود، بلکه به ساخت‌ها و فرایندهای کلان هم مربوط می‌شود. از این رو، با مراجعه به محیط‌های خرد از طریق تحقیقات کیفی جزءنگر، تأثیر فرایندهای کلان را نیز می‌توان مشاهده کرد. در بعد کلان، روند توسعه و رشد شتابان شهرنشینی سریع، موجب مهاجرت گسترده روستاییان بدون زمین و کار به شهرها شده و بازار کار شهری را با فشار مضاعفی روبه‌رو کرده است. نبود زیرساخت‌ها و فرصت‌های کار و اشتغال مناسب سبب شده بسیاری از مهاجران به شهرها، در حاشیه شهرها و در وضعیت فقر معیشتی زندگی کنند و انواع طرد اجتماعی را در زیست روزمره خود تجربه کنند.

در این مبحث، راهبردهای تهی‌دستان شهری برای مقابله با فقر شهری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از جمله نخستین اقدامات تهیدستان شهری برای مقابله با فقر، مهاجرت بوده که خود اشکال مختلفی داشته است. این مهاجرت‌ها حتی پس از اسکان نیز مشاهده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در گذشته، الگوی این مهاجرت‌ها از مناطق توسعه‌نیافته به شهر تهران، اغلب به صورت گروهی و قومی در اشکال جدید، بیشتر به صورت فردی رخ داده است. همچنین تهیدستان شهری در جامعه مورد مطالعه، روابط قومی و خویشاوندی را با مبدأ و خاستگاه اجتماعی خود حفظ کرده‌اند و از شبکه‌های اجتماعی خود به‌ویژه در مواقع بحرانی استفاده کرده‌اند. سلسله اقدامات دیگر تهیدستان، اسکان در شهر است که براساس حداقل هزینه صورت گرفته است. در این راستا، اسکان مشترک در مناطق حاشیه‌ای و ارزان‌قیمت و اشتراک در امکانات محل سکونت، از جمله اقدامات آنان است. در زمینه اشتغال، نتایج نشان می‌دهد ضعف انواع سرمایه اقتصادی و انسانی از یک طرف و کمبود فرصت‌های اشتغال در ساختار بازار کار رسمی سبب روی آوردن تهیدستان به مشاغل ناپایدار و عمدتاً خدماتی با درآمد سطح پایین شده و در نتیجه زمینه آسیب‌پذیری آنان را فراهم کرده است. درمان چهارمین مقوله اصلی راهبردی برای حفظ سرمایه انسانی در شکل سلامتی جسم و بدن آنان است. با توجه به ضعف سرمایه اقتصادی و مالی و از آنجا که خدمات بهداشتی و درمانی در شهر با معیارهای پولی عرضه می‌شود، به‌ناچار آنان به روش‌های جایگزین درمان رسمی که هزینه کمتری طلب می‌کند گرایش پیدا می‌کنند. راهبردهای تهیدستان به پیامدهای متعددی منجر شده که در این مقاله به برخی از آن‌ها پرداخته شده است.

اشتغال، نقشی کلیدی در زندگی تهیدستان داشته و نبود اشتغال مناسب سبب به‌حاشیه‌راندن آنان از جریان غالب حیات اقتصادی و اجتماعی در شهر شده است. اشتغال از آن جهت برای تهیدستان اهمیت محوری دارد که نیروی کار ارزان، تنها مزیت آنان در بازار کار شهری است. با وجود این، مهارت آنان در تعادل‌بخشیدن بین هزینه‌ها و درآمدها در ابعاد مختلف اسکان، درمان و اشتغال سبب شده که نسبت به شرایط دشوار معیشتی در مبدأ، شرایط مساعدتری را تجربه کنند و با وجود همه مشکلاتی که شهر برای آنان به دنبال داشته است، غالباً ماندن در شهر و مبارزه برای گذران زندگی را بر بازگشت به زادگاه خود ترجیح دهند. آنان صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی خود و نه سرمایه اقتصادی، پا به میدان شهری گذاشته‌اند. سرمایه‌هایی که چه‌بسا در شرایط دشوار اشتغال و

سکونت در شهر، با آسیب‌های متعددی روبه‌رو بوده است. حضور در شهر، خطرات متعددی برای آنان به همراه داشته و چه‌بسا که در این میدان موفق بوده یا شکست‌خورده باشند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد یکی از ابعاد طرد اجتماعی فقرای شهری، طرد از بازار کار رسمی است. اشتغال رسمی در مقیاس کلی با چالش‌های متعددی در ایران روبه‌رو بوده است، از جمله نرخ بالای رشد جمعیت در دهه‌های قبل که متأثر از آن پدیده جوانی جمعیت روی داده است و افزایش نرخ مشارکت زنان. مهاجرت‌های روستایی به شهرها همراه با مشکلات نهادی مانند تورم، بیکاری، بوروکراسی ناکارآمد و افزایش تقاضای نیروی کار، همگی سبب شده بسیاری از متقاضیان و عرضه‌کنندگان نیروی کار، به سمت فعالیت در بازار غیررسمی گرایش پیدا کنند. غیررسمی‌بودن و حاشیه‌نشینی در تمام ابعاد زندگی روزمره تهیدستان جریان دارد و زمینه به‌حاشیه‌راندن مهاجران تهیدست روستایی از حیات شهری را فراهم کرده است.

نوع توسعه به‌کاررفته در کشور که موجب رشد بی‌رویه شهرها و خالی‌شدن روستاها از نیروی انسانی شده، به انتقال فقر از روستا به شهر انجامیده است؛ به‌گونه‌ای که تراکم فقر را در حاشیه شهرها موجب شده است؛ بنابراین ضروری است در الگوهای توسعه تجدیدنظر شود. توجه به توسعه متوازن روستا و شهر و ایجاد زمینه‌های کار و اشتغال در روستاها می‌تواند به کاهش مهاجرت به شهرها و به‌تبع آن، کاهش فقر شهری کمک کند. در این زمینه تأکید بر جمعیت فقیر روستایی اهمیت زیادی می‌یابد. یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد فقرای شهری در مناطق مورد مطالعه منشأ روستایی داشته‌اند و به‌دلیل بیکاری ناچار به مهاجرت به شهر شده‌اند.

همچنین شایان ذکر است که مسئله اشتغال شهری را نمی‌توان تنها در چارچوب شهری حل کرد، بلکه باید با توسعه روستایی، انگیزه مهاجرت به شهر را با یک انتخاب عقلانی کاهش داد. در همین راستا باید گفت توسعه منطقه‌ای متوازن و تقسیم عادلانه ثروت به چیزی بیش از سیاست‌های منطقه‌ای نیاز دارد و مستلزم تعهد ملی در برقراری عدالت و برابری در برنامه‌های توسعه است؛ بنابراین هرگونه تلاش و سیاست‌گذاری برای کاهش فقر باید مقیاس کلان و فقر شهری و فقر روستایی را هم‌زمان در نظر گرفت.

۵. پیشنهادها

براساس مطالعه حاضر، یکی از وجوه بارز مشاغل فقرای شهری، ناپایداری و آسیب‌پذیری در مقابل انواع مخاطرات محیطی و اقتصادی است. بدین‌منظور، تأکید پژوهش حاضر بر گسترش و تقویت حمایت‌های رسمی مانند بیمه‌های اجتماعی است. تقویت بیمه‌های اجتماعی به‌خصوص در شرایط اشتغال افراد و الزام کارفرمایان شرکت‌ها به پوشش بیمه‌ای نیروی کار خود، همچنین فرهنگ‌سازی به‌منظور اشاعه بیمه‌های اجتماعی در زمینه کار و درمان، پایین‌آوردن نرخ بیمه و تنوع‌بخشیدن به خدمات بیمه‌ای متناسب با سطوح مختلف درآمدی، از راهکارهای پیشنهادشده در این تحقیق است.

کار کودکان از پدیده‌های بارز فقر شهری است. در بسیاری مواقع مشاهده می‌شود که خانواده‌های تهیدست شهری برای امرارمعاش خود به‌ناچار فرزندان را به کاری که هیچ تناسبی با توانایی‌های جسمی و روحی آنان ندارد مشغول داشته‌اند. اشتغال کودکان سبب طرد آن‌ها از آموزش رسمی می‌شود و به بازتولید فقر می‌انجامد؛ بنابراین با توجه به سیاست‌های جمعیتی کشور و تقویت سرمایه‌های انسانی پیشنهاد می‌شود از خانوارهای تهیدست که کودکان در سن مدرسه دارند، حمایت مالی به ازای هر کودک صورت گیرد تا امکان ادامه تحصیل فرزندان آنان میسر شود.

همچنین براساس یافته‌های تحقیق، اشتغال زنان با موانع اجتماعی و فرهنگی متعددی روبه‌رو بوده است. با توجه به اینکه در بسیاری مواقع، به دلایل متعدد مانند آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد و ازکارافتادگی مردان، زنان سرپرست خانوار برای تأمین معیشت خود

و فرزندانشان ناچار به اشتغال غیررسمی رو آورده‌اند و در بازار کار غیررسمی نیز با موانعی مانند کاهش دستمزد نسبت به مردان مواجه شده‌اند، لازم است ضمن اصلاح نگرش‌های فرهنگی در سطح جامعه، اشتغال زنان سرپرست خانوار مورد حمایت رسمی قرار گیرد. همچنین ارتقای توانمندی و آموزش زنان سرپرست خانوار می‌تواند به تثبیت وضع آنان در بازار کار بینجامد.

۶. منابع

- ازکیا، مصطفی، احمدرش، رشید و پارتازیان، کامبیز (۱۳۹۶). *روش‌های پژوهشی کیفی از نظریه تا عمل*. چاپ اول. تهران: کیهان.
- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۸). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. چاپ هشتم. تهران: نشرنی.
- بختیاری، صادق و خوب‌خواهی، خجسته (۱۳۹۰). *اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۵)*. *جستارهای اقتصادی*، ۱۵(۱)، ۱۱۷-۱۳۸.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶). *آلونک‌نشینی در تهران. اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۱۷، ۴۶-۴۷.
- پیران، پرویز (۱۳۷۶). *تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲، ۲۷-۴۷.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی. چاپ پنجم. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی کار و شغل*. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- جلالیان، حمید و محمدی یگانه، بهروز (۱۳۸۶). *تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان زنجان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵*. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۶۱، ۸۹-۹۹.
- جواهری‌پور، مهرداد (۱۳۹۴). *محله‌های فرودست شهری و حق به‌شهر؛ موردپژوهی: محله خاک سفید شهر تهران*. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۲(۲)، ۱۶۳-۱۸۲.
- محمدزاده، نادر (۱۳۹۷). *مصاحبه با خبرگزاری تسنیم*. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/03/21/1747516/16>
- دوسوتو، هرناندو (۱۳۸۶). *راز سرمایه (چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهایی دیگر شکست می‌خورد)*. ترجمه فریدون تفضلی. چاپ سوم. تهران: نشرنی.
- زارع، بیژن (۱۳۸۹). *تحولات جمعیتی شهر تهران در یکصد سال اخیر*. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری. تهران: مؤسسه نشر شهر.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران (۱۳۹۸). *گزارش ویژه وضعیت حاشیه‌نشینی در استان تهران*.
- <https://www.thmporg.ir/news/2772>
- فتحی، الهام (۱۳۹۷). *روند تحولات جمعیت شهر تهران از گذشته تا آینده*. *دوماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، ۶(۱)، ۳۲-۳۵.
- گیلبرت، آلن و گاگلر، ژوزف (۱۳۷۵). *شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم)*. ترجمه پرویز کریمی ناصری. چاپ اول. تهران: اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران.
- صادقی، رسول (۱۴۰۱). *تحولات جمعیتی شهر تهران در یک قرن اخیر: فرصت‌ها و چالش‌ها*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، به نشانی: <https://rpc.tehran.ir>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). *گزارش تحلیلی: بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت.
- ناریان، دپیا، چمبرز، رابرت، شاه، میراک و پتیش، پتی (۱۳۹۰). *صدای فقرا، فریاد برای تغییر (پیامدهای توسعه)*. ترجمه مصطفی ازکیا و جمال رحمتی‌پور. چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات کیهان.
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۲). *درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری، انسان و شهر*. همدان: انتشارات فن‌آوران.

- Amis, P. (1995). Making Sense of Urban Poverty. *Environment and Urbanization*, 7(1), 145-158.
<https://doi.org/10.1177/095624789500700102>
- Azkiya, M., Ahmadresh, R. and Partazian, K. (2016). *Qualitative research methods from theory to practice*. First Edition. Tehran: Keihan. (In Persian).
- Bakhtiari, S. and Khobchoy, K. (2010). Employment in the informal labor market and factors affecting it in Iran (1385-1351). *Economic Studies*, 8(15), 117-138. (In Persian).
- Chambers, R. (1989). *Editorial introduction: vulnerability, coping and policy*.
<https://doi.org/10.1111/j.1759-5436.1989.mp20002001.x>
- Fathi, Elham (2017). The process of changes in the population of Tehran from the past to the future". *Analytical-research bimonthly of statistics*, 6(1), 32-35. (In Persian).
- Giddens, A. (2018). Social justice and social divisions. In *Social Stratification* (pp. 1125-1131). Routledge.
- Gilbert, A. and Gagler, J. (1375). Cities, poverty and development (urbanization in the third world). Translated by Parviz Karimi Naseri. First Edition. Tehran: Department of Public and International Relations of Tehran Municipality. (In Persian).
- Iran Statistics Center (2018). *Analytical report: Examining the trend of changes in the structure and composition of the country's population and its future until the horizon of 1430 based on the results of the general population and housing census of 2015*. Tehran: Bureau of Labor Population and Population and Health Census. (In Persian).
- Pantazis, C., & Gordon, D. (2000). *Poverty and Social Exclusion in Britain*. (pp. 23-4). R. Levitas (Ed.). Bristol: Policy Press.
- Piran, P. (1366). Sitting in a shed in Tehran. *Political and Economic Information*, 17, 46-47. (In Persian).
- Piran, P. (1376). Sociological analysis of urban housing in Iran: informal housing. *Iranian Journal of Sociology*, 2, 27-47. (In Persian).
- Javahripour, M. (2014). Suburban neighborhoods and right to the city; Case study: Khak Sefid neighborhood of Tehran. *Iranian Anthropological Researches*, 5(2), 163-182. (In Persian).
- Jalalian, H. and Mohammadi Yeganeh, B. (2016). Analysis of effective geographical factors in rural migrations of Zanjan city from 1355 to 1375. *Geographical researches*, 61, 89-99. (In Persian).
- Mohammadzadeh, N. (2017). *Interview with Tasnim news agency at*: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/03/21/1747516/16> (In Persian).
- Naqdi, A. (2012). *Introduction to urban sociology, man and city*. Hamadan: Fanavaran Publications. (In Persian).
- Narian, D., Chambers, R., Shah, M. and Petesh, P. (2018). *Voice of the poor, cry for change (development implications)*. Translated by Mustafa Azkiya and Jamal Rahmatipour. First Edition. Tehran: Kayhan Publishing Company. (In Persian).
- Sadeghi, R. (1401). *Demographic changes of Tehran city in a recent century: opportunities and challenges*. Tehran Study and Planning Center, at: <https://rpc.tehran.ir> (In Persian).
- Sen, A. (2000). *Social exclusion: concept, application, and security*, Office of Environment and Social Development Asian Development Bank, June 2000.
- Silver, H. (2007). Social Exclusion, In: *George Ritzer (ed)*, Blackwell Encyclopedia of Sociology. Blackwell Reference Online. http://www.blackwellreference.com.support.mah.se/subscriber/tocnode?id=g9781405124331_chunk_g978140512433125_ss1-150. Accessed 18 July 2008.
- Strauss, A. and Corbin, J. (2018). *Basics of qualitative research, techniques and stages of producing*

- grounded theory*. Translated by Ibrahim Afshar. Eighth edition. Tehran: Nashr -e -Nei. (In Persian).
- Tavasoli, G. A. (1375). *Sociology of work and occupation*. First Edition. Tehran: Organization for the study and compilation of humanities books. (In Persian).
- Todaro, M. (1370). *Economic development in the third world*. Translated by Gholam Ali Farjadi. Fifth Edition. Tehran: Program and Budget Organization. (In Persian).
- Townsend, P. (1979). *Poverty in the United Kingdom*. Harmondsworth: Penguin.
- Wilson, W. J. (1987). *The truly disadvantaged: The inner city, the underclass, and public policy*. Chicago: University of Chicago Press.
- Wratten, E. (1995). Conceptualizing urban poverty. *Environment and Urbanization*, 7(1), 11-38. <https://doi.org/10.1177/095624789500700118>
- Wolf, J. P. (2007). Sociological Theories of Poverty in Urban America. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 16(1-2), 41-56. https://doi.org/10.1300/J137v16n01_04
- Worldbank (2020), <https://www.worldbank.org/en/topic/urbandevelopment/overview>.